



<https://coth.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Comparative Theology

E-ISSN: 2322-3421

Document Type: Research Paper

Vol. 14, Issue 1, No.29, Spring & Summer 2023 pp.49-66

Receive: 11/03/2023

Accepted: 28/06/2023

A Systematic Study of Jesus' Words in the Sermon on Mount Q and its Influence on *the Epistle of James*

Ghorban Elmi  *

Associate Professor, Department of Comparative Religions and Mysticism, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran
gelmi@ut.ac.ir

Niloufar Salmani

Ph.D. Student of religions and mysticism, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran
salmani.niloufar@ut.ac.ir

Abstract

The present study tries to examine *the Sermon on Mount Q*, the first written book of the New Testament, and its influence on *the Epistle of James*. Using a descriptive-analytical method, the authors conclude that according to *the Sermon on Mount Q* and the Epistle of James, Jesus makes a cultural revolution in the society as a social reformer, who sees the path of social transformation in individual reform, change of cultural values, and the reversal of identities, and James as a follower of his reform has such a concern. In addition, both identities are socially representative of realist thinking on the one hand because they considered useless fighting against a powerful Roman empire as the Zealots failed. On the other hand, they are considered the representative of idealistic thinking because they sought to build an ideal society by presenting trans-ethical rules.

Keywords: Sermon on Mount Q, Social Revolution, Utopian Ideas, Epistle of James.

Introduction

The Sermon on Mount Q leads the audience to the essence of Jesus' message for people of his time and the present era. Therefore, its correct understanding is still a necessity. In addition, the letter of James, indicating a Jewish interpretation of Jesus' words, is necessary to examine the measure of its affinity to Jesus' teachings. The authors of this study try to investigate the social aspect of Jesus' words in *the Sermon on Mount Q* and its impact on the Epistle of James. So, the main question of this research is whether social implications in *the*

*Corresponding author

Elmi, G., & Salmani, N. (2023). A Systematic Study of Jesus' Words in the Sermon on the Mount Q and its Influence on the Epistle of James. *Comparative Theology*, 14(29), 49-66.



2322-3421© University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



<https://doi.org/10.22108/COTH.2023.137096.1812>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.20089651.1402.14.29.4.0>

Sermon on Mount Q have influenced the content of *the Epistle of James* or not. The answer to this question will provide a clearer picture of Jesus and James.

Materials and Methods

The descriptive-analytical method and library research are the tool and materials used in this research. Through the systematic analysis of available data, this research has reached significant results about the words of Jesus in *the Sermon on Mount Q* and its effect on *the Epistle of James*.

Research Findings

The Sermon on Mount Q has a social color. In addition, *the Epistle of James* influenced it to have such color. Therefore, Jesus and James seem to be social reformers in these two texts. The common characteristics cited include the following:

The utopian ideas, such as loving one's enemies, expresses universal love and, according to Auguste Comte, is the solution to all the problems of the time, including unity and empathy. Moreover, defining beatitude for the poor and promising to feed the hungry refer to honoring poor in the society and solving the existing social problem. Non-judgment, mercy and kindness, and the promise of the results of good deeds shape an ideal society in terms of moral, spiritual, and cultural aspects. Acting on the word and mourning for committing a wrong act are other aspects of this commonality. The above similarities, and other reasons raised in this research, indicate the formation of the intellectual structure of *the Epistle of James* in the context of the social teachings of *the Sermon on Mount Q* and the borrowing of this Epistle from sermon Q.

Discussion of Results and Conclusions

In the discussion of the influence of *the Sermon on Mount Q* on *the Epistle of James*, considering that it does not seem reasonable to make a definitive statement about the date of writing of these two texts, with the claim that new findings may appear over time, we can only rely on the similarities between the two texts, the contemporaneity of the two, and the precedence of Jesus over James. These reasons lead the reader to the conclusion that the origin of *the Epistle of James* is the text of *the Sermon on Mount Q*, which is full of moral teachings to determine a kind of lifestyle that is against the lifestyle of that time. Jesus as a social reformer and James as a follower of Jesus' reforms are concerned about the cultural revolution in the society. In addition, both identities represent the paradox of "realism-idealism". Although both considered it useless to show their strength against the Roman Empire as the Zealots were defeated, they were concerned about building an ideal society.

بررسی نظام‌مند سخنان عیسی در موعظه سر کوه Q و اثربخشی آن بر رساله یعقوب

قربان علمی*^{1b}، دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران

gelmi@ut.ac.ir

نیلوفر سلمانی، دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران

salmani.niloofar@ut.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر تلاش دارد سخنان عیسی در موعظه سر کوه Q و اثربخشی آن بر رساله یعقوب را بررسی کند. نگارنده گان با به‌کارگیری روش توصیفی تحلیلی به این نتیجه دست یافته‌اند که با نظر به موعظه سر کوه Q و رساله یعقوب این تئوری مطرح می‌شود که عیسی به‌مثابه یک مصلح اجتماعی که طریق تحول اجتماعی را در اصلاحات فردی، تغییر ارزش‌های فرهنگی و وارونه‌ساختن هویت‌ها می‌داند، دست به انقلاب فرهنگی در جامعه می‌زند و یعقوب نیز به‌عنوان پیرو و ادامه‌دهنده اصلاحات عیسی، دارای چنین دغدغه‌ای است؛ ضمن آنکه هر دو هویت به لحاظ اجتماعی، از یک وجه، نماینده تفکر واقع‌گرایی قلمداد می‌شوند؛ به این دلیل که قدرت‌نمایی در برابر امپراطوری قدرتمند روم را همان‌طور که زیلوت‌ها با شکست مواجه شدند، بی‌فایده می‌دانستند و از وجه دیگر، نماینده تفکر ایده‌آلیستی قلمداد می‌شوند؛ زیرا با ارائه قواعدی فرااخلاقی به دنبال ساخت جامعه‌ای آرمانی هستند.

واژه‌های کلیدی

موعظه سر کوه Q، انقلاب و دگرگونی، ایده‌های آرمانشهرانه، رساله یعقوب

مقدمه موعظه سر کوه Q که به‌مثابه کتابچه راهنما، مهم‌ترین

*مسئول مکاتبات

علمی، قربان، سلمانی، نیلوفر. (۱۴۰۲). بررسی نظام‌مند سخنان عیسی در موعظه سر کوه Q و اثربخشی آن بر رساله یعقوب. *الهیات تطبیقی* ۱۴ (۲۹)، ۴۹-۶۶.



2322-3421© University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



<https://doi.org/10.22108/CO.TH.2023.137096.1812>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.20089651.1402.14.29.4.0>

۱. Q مخفف کلمه Qulle و به معنای اسناد است. Q در اصطلاح اسناد مربوط به سده اول میلادی است که بنابر گزارش‌ها نویسندگان اناجیل هنگام نگارش اناجیل، آنها را در اختیار داشته‌اند. در واقع Q در مقایسه با اناجیل دارای قدمت بیشتری بوده و پیش از اناجیل در جامعه مسیحی وجود داشته است.

وارونه تبدیل می‌کند (Battle, 2009, p. 50, 54). در تقابل با این نگرش، نگاه کسانی همچون بارنز و بکر وجود دارد؛ مبنی بر اینکه عیسی با تعالیمی همچون تعالیم موعظه سر کوه هیچ نظریه‌ای را درباره جامعه نیاورد و در بند ساختن اجتماع نبود (بارنز، بکر، ۱۳۵۸: ۲۷۸)؛ اما دلایلی مطرح است که اثبات این مدعا را دچار خلل می‌سازد؛ به‌طور مثال، انتقاد عیسی به معبد و معبدنشینان که عملاً او را وارد نزاع با نظام سیاسی - اجتماعی کرد (کونگ هانس، ۱۳۸۴: ۴۸) و تئوری‌های مبنی بر چالش، عصیان و تغییر وضع موجود جامعه در موعظه سر کوه، بر گستره تعالیم عیسی در جامعه و فراشخصی بودن آنها دلالت دارد. از سوی دیگر، بحث ملکوت مسیحی که ایده‌های آرمانشهرانه است، تأییدی بر این مدعا است که تعالیم موعظه سر کوه دارای جنبه‌ای اجتماعی است. تمام دلایل فوق بیان‌کننده این مطلب است که تقلیل دادن تعالیم موعظه سر کوه Q و به تبع آن، دین مسیح به دین دل و درون و فارغ شدن از جنبه اجتماعی آن، یک اشتباه فاحش است و مانع از فهم درست عیسی و اهدافش خواهد شد. نوشتار حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی تلاش دارد تا ضمن بررسی تأثیر موعظه سر کوه Q بر رساله یعقوب، وجه اجتماعی سخنان عیسی در موعظه سر کوه Q را بررسی کند؛ با این حال، هدف نگارنده‌گان این پژوهش، بررسی جامعه‌شناختی موعظه سر کوه و یافتن مبانی دموکراتیک آن نیست. وجه تمایز پژوهش حاضر آنست که در حوزه مطالعات علوم انسانی چه به زبان فارسی و چه به زبان انگلیسی پژوهشی ناظر به بررسی دو متن دینی که هر دو دارای گرایش‌های اجتماعی و ایده‌های آرمانشهرانه باشند و در عین حال، اثرات یکی بر دیگری بررسی شود، انجام نگرفته است. همچنین پرداختن به دو

و طولانی‌ترین مجموعه از تعالیم اخلاقی عیسی را ارائه می‌دهد (Easton, 1914, p. 241)، دربردارنده برنامه‌های عملی با محوریت عدالت اجتماعی، ارتقای شهروندی اجتماعی و معنویت اجتماعی یکپارچه است. گفتمانی است که فقدان بینش اخلاقی را که بی‌توجه به فضای سیاسی ارزش‌های دینی است و به‌عنوان صدمه‌ای برای دموکراسی قلمداد می‌شود، نقد می‌کند (Battle, 2009, p. 55) و در قالب مبارزه‌ای نرم و پنهان آن را به چالش می‌کشد. بر این اساس، این موعظه با ایجاد تئوری‌های متضاد با ارزش‌های اجتماعی و دینی زمان، به‌عنوان عصیانی علیه وضع موجود عمل می‌کند. این نشان‌دهنده آن است که وضعیت فکری عیسی دقیقاً برعکس زیلوت‌ها است که معتقد بودند اراده خدا برای سرزمین می‌تواند از طریق خشونت حاصل شود. (Mcknight, 131). به‌نظر می‌رسد عیسی زمینه اصلاحات اجتماعی در شکلی نظامی و نیز رویارویی مستقیم با قدرت را ممکن نمی‌دید و خود را از جهت‌گیری منفی سیاسی در آن موقعیت دور می‌ساخت؛ به همین دلیل، تعالیم عیسی در موعظه سر کوه Q، ایده‌های آرمانشهرانه فراموش شده و عاری از ظنن سیاسی است که به‌عنوان نگرش مثبت عملی اخلاقی درباره این است که چگونه می‌توانیم خانه و همسایه و جهانمان را سازماندهی کنیم. موعظه سر کوه به جای آنکه مجموعه‌ای از قوانین برای راهبان باشد، ما را به سؤالات بزرگ و دشواری راجع به روابط ما و اهداف اساسی‌مان به‌عنوان یک انسان سوق می‌دهد. به‌عبارت دقیق‌تر، همان‌طور که بتل بیان می‌کند عیسی، گوینده گفتمان موعظه سر کوه، بیشتر به یک انقلاب اجتماعی و معنوی مشغول بود تا انقلاب سیاسی؛ یک انقلابی اجتماعی که روابط اجتماعی بین مردم را به یک جامعه

۲. فیلسوف برجسته‌ای همچون ارنست بلوخ بیان می‌کند امید دینی و آرمانشهرهای دینی خاصه آرمانشهر مسیحی ملکوت خدا، عالی‌ترین ظهور ناخشنودی و عصیان علیه وضع موجود است. رجوع شود به استراتن، ۱۳۸۵، ۱۸؛ محققیان، پرچم، ۱۳۹۱.

۱. توکویل ضمن آنکه جوهره اخلاق مسیحی را نهفته در موعظه سر کوه می‌داند، به صراحت به تأثیر اخلاق مسیحی بر قوام یافتن دو اصل مهم برابری و آزادی در جوامع دموکراتیک تأکید می‌کند. رجوع شود به سیدنتاپ، ۱۳۷۴: ۹۸۴؛ شجاعی‌زند، ۱۳۸۸.

پروانش نیز خواستار بی‌توجهی به دغدغه‌ها و دلبستگی‌های جهانی است (مک کواری، ۱۳۸۲: ۲۰۵؛ یاسپرس، ۱۳۷۸: ۲۷). این گروه مسئله اصلی عیسی را مسئله‌ای دینی و آن جهانی معرفی می‌کنند و معتقدند مسیحیان اولیه به تبعیت از تعالیم و زیست عیسی به مسائلی همچون توحید، زندگی پس از مرگ، خلوص عبادت و رستگاری روح توجه داشتند (Troeltsch, 1992, p. 39, V.1, 1992, p. 39; کلسکو، ۱۳۹۱، ج ۲: ۲۱).

گروه دوم که دیدگاه‌شان دارای مشابهت چشمگیری با گروه اول است، چهره عیسی را به مثابه یک اخلاق‌گرای دینی ترسیم می‌کنند. آنها بر این باورند که عیسی دارای چهره‌ای اخلاقی است و دغدغه تعالی اخلاقی را داراست. از نظر این گروه، عیسی دین را به صورت دینی اخلاقی درآورد که صرفاً به رستگاری نظر دارد (بارنز و بکر، ۱۳۵۸: ۲۸۳). دلیل این امر در سخنان هگل وجود دارد. هگل در این ارتباط بیان می‌کند که در اندیشه عیسی زمینه اصلاحات و نجات اجتماعی فراهم نبود؛ به همین دلیل عیسی تنها راه‌هایی را در سوق دادن انسان‌ها به اخلاقیات یافت (هگل، ۱۳۶۹: ۳۹).

برخلاف دو گروه اول که عیسی را چهره‌ای دنیاگریز، آن جهانی و صرفاً دینی و اخلاقی توصیف می‌کنند، گروه سوم که نوع نگرش‌شان مرتبط با موضوع پژوهش حاضر است، عیسی را به مثابه یک مصلح اجتماعی و انقلابی

متن دینی متعلق به مسیحیت در حوزه‌های پژوهش علوم انسانی و تحقیقات میان‌رشته‌ای در جامعه ایران کمتر صورت گرفته است. آبخشور پژوهش حاضر منابع علمی متعددی است؛ از جمله کتاب یعقوب و سخنان عیسی در Q اثر پاتریک جی. هارتین. متن Q از پولاگ که بهترین متن کامل Q به زبان یونانی است و هاونر ترجمه کرده، مرجع آیات موعظه روی کوه در این پژوهش است.^۳

عیسی به مثابه یک مصلح اجتماعی و انقلابی

اگرچه سخن گفتن از عیسی همواره دشوار و در هاله‌ای از ابهام بوده و تفاسیر متعدد از جانب الهیدانان، فلاسفه و مؤمنان مسیحی بر دشواری کار افزوده است، نظام‌مند سازی در سه ساحت طبیعت، شخصیت و مرگ عیسی بر سهولت کار می‌افزاید. موضوع پژوهش حاضر پیوندی با ساحت اول و سوم ندارد؛ بلکه به ساحت دوم، یعنی ساحت شخصیتی عیسی مرتبط است که از میان سه منظر زهد، اخلاق و انقلاب که در شخصیت‌شناسی عیسی مطرح است، منظر سوم محل نظر است؛ با این حال، برای آغاز بحث از سخنان عیسی در موعظه سر کوه Q به طور تفکیک شده و اجمالی به هر سه منظر و به عبارتی، هر سه گروه فکری پرداخته خواهد شد.

در معتقدان به محوریت زهد در مسیح‌شناسی، عیسی در کسوت یک دنیاگریز اخلاقی ظاهر می‌شود و از

رساله یعقوب سخن گفت. در زمینه جامعه‌شناسی موعظه سر کوه Q یا رساله یعقوب می‌توان از آثاری نظیر *خواستش یعقوب از طریق علوم اجتماعی* اثر بتن، *موعظه سر کوه اثر ایستن و موعظه سر کوه و اخلاق سیاسی اثر بتل سخن گفت* که به صرف ساختار و محتوای متن یا به جستجوی یک موضوع مشخص در آن متن نمی‌پردازد؛ بلکه بعد جامعه‌شناختی و سیاسی متن را بررسی می‌کنند.

Hartin, Patrick J, (1991), *James and the Q sayings of Jesus*, Jsoot press.

Havener. Ivan, (1987), *Q: The Sayings of Jesus: With a Reconstruction of Q by Athanasius polag* (Wilmington: Michael Glazier).

۱. از میان آثاری که بتوان به عنوان پیشینه این پژوهش از آنها یاد کرد، می‌توان به اثر بسیار مهم و ارزشمند «یعقوب و سخنان عیسی در Q» اشاره کرد. هارتین در این اثر به تأثیر موعظه سر کوه Q بر رساله یعقوب پرداخته است؛ با این حال، به بعد اجتماعی آن دو توجهی ندارد و صرفاً با رویکرد متن‌پژوهی به ساختار و محتوای این دو متن می‌پردازد. از سوی دیگر، آثار متعددی به طور مجزا درباره موعظه سر کوه وجود دارد که آن را نه در منبع Q که دارای قدمت زیادی است، بلکه در اناجیل عهد جدید بررسی کرده‌اند که در این میان آثاری نظیر ساختار موعظه سر کوه اثر آلیسون، *اصول موعظه سر کوه اثر مکلینی و چارچوب موعظه سر کوه نوشته پری هستند* یا درباره رساله یعقوب می‌توان از آثاری نظیر *ایده‌های اقتصادی در رساله یعقوب و انجیل در*

شهدای انقلابی می‌سازد. (Sosteric, 2020, p. 7, 79). هانس کونگ که عیسی را چهره‌ای انقلابی معرفی می‌کند، بیان می‌کند انتقاد عیسی به معبد و معبدنشینیان عملاً او را وارد نزاع با نظام سیاسی - اجتماعی کرد (کونگ هانس، ۱۳۸۴: ۴۸). بیان این مهم در اینجا ضروری می‌نماید که عده‌ای این انقلاب را صرفاً انقلابی اخلاقی تعریف می‌کنند و بیان می‌کنند عیسی را باید به‌عنوان یک کهن‌الگوی انقلابی در اخلاق درک کرد (Torzewski, 2020, p. 172; Otto, 1936, p. 253). کانت، لسینگ و فویرباخ این نگرش را رهبری می‌کنند. این تئوری جمع‌پذیر با نگرش گروه سوم است؛ اما بیشتر با ابزار کنشی که گروه دوم برای عیسی متصورند، مطابقت دارد نه غایت عملی. در واقع تفاوت اینها بر سر غایت کنش است.

اعتبار تاریخی منبع Q

Quelle یا منبع Q نامی است که به مطالب مشترک متی و لوقا داده می‌شود و در مرقس دیده نمی‌شود. فرضیه این انجیل یونانی از نیاز به پرداختن به موضوع وابستگی متقابل ادبی در میان متی، مرقس و لوقا به وجود آمد. این فرضیه مبتنی بر حدس و گمان «اولویت مرقس» است.^۴ از نظر بسیاری از محققان، متی و لوقا علاوه بر مرقس از منبع دیگری با عنوان Q در ترکیب انجیل خود استفاده کرده‌اند (Farmer, 2012, p. 13). بترا دلایلی را ذکر می‌کند که موعظه سر کوه Q به‌طور مستقل قبل از انجیل متی به نگارش درآمده است. از جمله دلایل بترا عبارت‌اند

معرفی می‌کنند. در نظر این گروه، عیسی نه محافظه‌کار، نه ملایم و نه منفعل است، بلکه یک انقلابی پر شور و متعهد بر تغییرات اجتماعی مترقی است که خواهان تجدیدنظر اساسی در ساختارهای قدرت اشراف است؛ با این حال، به نظر می‌رسد به دلیل آنکه انقلاب زیلوت‌ها^۱ که از طریق خشونت انجام می‌گرفت (Mcknight, 131)، با شکست مواجه می‌شد، عیسی روشی دیگرگون را در اصلاحات در پیش گرفت. او عدالت اجتماعی و اخلاق را در محور انقلاب خود قرار دارد و به بیان سوزانتو برنامه عدالت اجتماعی را که خدا از اسرائیل خواسته بود، محقق می‌ساخت (Susanto, 2020, p. 107). وجوهی که به آنها استناد می‌شود و عیسی را چهره‌ای انقلابی معرفی می‌کند، مشتمل بر موارد زیر است: موقعیت شهرت‌آمیز عیسی، آمادگی مردم برای مسح کردن او به‌عنوان پادشاه، هدف صریحاً اعلام‌شده او برای رهایی ستمدیدگان، تشخیص تهدید توسط اشراف، کمپین تبلیغاتی پیچیده قیافا^۲ و اصرار آنها بر اعدام عیسی. علاوه بر این، عیسی از مأموریت خود و تهدیدی که برای نظام ایجاد می‌کرد، آگاه بود. او می‌دانست آموزه‌هایش او را در معرض خطر قرار می‌دهد و از همان ابتدا اقدامات احتیاطی را انجام داد. او حتی در یک نقطه خاص می‌دانست که قرار است او را ترور کنند. او این ایده را دوست نداشت؛ اما می‌دانست که هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد تا جلوی آن را بگیرد. او همچنین با آگاهی کامل می‌دانست که قتلش از او یک

۲ Caiaphas

۳. وجه انقلابی عیسی و مسیحیت در انجیل کتاب مقدس فعلی مشتمل بر نفوذ در تشکیلات دشمن، تعمید در خون (لوقا ۱۲: ۵۳-۴۹)، صلیب شهادت (مرقس ۸: ۳۵-۳۴)، تحقیر پادشاه (لوقا ۱۳: ۳۳-۳۱) و ... است.
۴. ادعای اینکه مرقس اولین انجیل نوشته‌شده بود و متی و لوقا به‌عنوان منبع از آن استفاده کردند.

۱. زیلوت‌ها یکی از جنبش‌های سیاسی یهودیت در قرن ۱ میلادی بودند که مخالفت کامل خود را نسبت به حکومت روم اعلام کردند. مدعای آنها این بود که خدا تنها حاکم و پروردگار است و امپراتور به دروغ بر تخت حاکمیت خدا جلوس کرده است. در آغاز، زیلوت‌ها صرفاً به‌عنوان یک جناح رادیکال فری‌سیان که دارای عشق بی‌حد و حصر به آزادی بودند، شناخته می‌شدند که اَسِنی‌ها با احتیاط با آنها رفتار می‌کردند، اما در طول زمان، به بخش‌هایی از فری‌سیان و اَسِنیان پیوستند و از این رو با هر دو طرف روابط نسبتاً خوبی داشتند. رجوع شود به Tantlevskij, Gromova, and Gromov, 2021.

از: (Betz, 3-4)

- ۱- مطالبی را که در Q نیامده است، نمی‌توان به ترکیب تنها متی - مبلغ انجیل - نسبت داد.
- ۲- تجزیه و تحلیل رسمی موعظه سر کوه نشان می‌دهد آن را به خودی خود به‌عنوان یک واحد درک می‌کنند.
- ۳- الهیات موعظه سر کوه ویژگی‌هایی را نشان می‌دهد که آن را مستقل از انجیل متی و کاملاً متمایز نشان می‌دهد.

علاوه بر دلایل مذکور بترا می‌توان به چشمگیربودن توافقات و مشابهت‌های متی و لوقا با موعظه سر کوه Q اشاره کرد که هارتین به آن نظر دارد (Hartin, 1991, p. 146). همچنین به تقدم زمانی موعظه سر کوه Q بر انجیل متی و لوقا نظر داشت (Casey, 2005). نکته حائز اهمیت در این ارتباط آن است که آیا داده‌های موعظه سر کوه Q عیناً و بدون هیچ‌گونه دگرگونی‌ای در بافت انجیل متی و لوقا وجود دارد یا طی آن، استحاله‌ای رخ داده است. پژوهش‌های بسیاری دلالت بر تئوری دوم دارد؛ به‌طور نمونه، بترا مطالعه مهمی درباره تحولاتی انجام داده است که موعظه قبل از ورود به انجیل متی دستخوش آن شده است (Betz, 1978, p. 3, 4). همچنین شواهد زبان‌شناختی گویای این مهم است که موعظه سر کوه Q با تلفیق سنت‌های دیگر تحول یافته است (Fitzmyer, 1983, p. 627).

اثبات تقدم منبع Q بر انجیل متی و لوقا زمینه‌ای را برای بیان این فرضیه فراهم می‌سازد که منبع Q ممکن است بر رساله یعقوب نیز تقدم داشته باشد. طبق بررسی‌های انجام‌گرفته در این خصوص، تاریخ نگارش منبع Q و نگارش رساله یعقوب به‌نحیض زمانه هردو به قرن یک میلادی باز می‌گردد (Farmer, 2012)؛ البته هرچند ممکن است نتایجی به دست آید مبنی بر تقدم رساله یعقوب بر موعظه سر کوه، قطعیتی وجود ندارد که به آن استناد کرد؛ زیرا در طول زمان ممکن است نقض آن مطرح شود. بر طبق شواهد به نظر می‌رسد رساله یعقوب متأثر از موعظه سر کوه Q باشد و این به دلیل آن است که

یعقوب پیرو عیسی بود و موعظه سر کوه نیز بازگوکننده سخنان عیسی است. هم‌عصری دو متن و تقدم عیسی بر یعقوب مقدمه اول در استدلال تأثیرپذیری رساله یعقوب از منبع Q است. مقدمه دوم برای حجیت این استدلال وجود تشابهات میان این منبع و رساله یعقوب است. با توجه به بررسی‌های انجام‌گرفته، بیشترین اقتران میان رساله یعقوب و سنت Q در مطالب موعظه سر کوه وجود دارد (Hartin, 1991). در بخش‌های بعدی این پژوهش به بحث تشابهات پرداخته شده است و خوانندگان می‌توانند به وضوح دانش یعقوب نسبت به Q و سنت گسترش‌یافته آن و اقتران میان رساله او و موعظه سر کوه Q را ملاحظه کنند. بر طبق نظرات محققانی نظیر مک دونالد، یعقوب برای دست‌یافتن به هدف خود، تمرکز فراوانی بر موعظه سر کوه دارد (مک دونالد، ویدیام، ۲۰۱۱: ۴)؛ با این حال، دانش یعقوب به سنت Q به‌طور تغییر یافته و نه به‌صورت اولیه آن در رساله یعقوب به چشم می‌خورد (Hartin, 1991). این بدین معناست که رساله یعقوب نیز همانند انجیل متی و لوقا نمایانگر شکل تحول‌یافته منبع Q است.

سعادت‌های Q و نقاط تلاقی آن با رساله یعقوب

این بخش به دنبال پاسخ به این پرسش است که سعادت‌های Q ناظر به چه ساحتی است؟ و آیا می‌توان وجهی یافت که تأثیر سعادت‌ها در موعظه سر کوه Q را بر رساله یعقوب نشان دهد؟

هدف عمده ادیان الهی، سعادت عموم مردم و جامعه است و این امر پیوسته با حقوق، فرهنگ و اخلاق عمومی مرتبط است (علی‌خانی، ۱۳۹۶: ۲۴۴). این قاعده در موعظه سر کوه Q نیز که بخشی را به سعادت‌ها می‌پردازد، ملاحظه می‌شود. در موعظه سر کوه Q، سعادت‌ها (خوشاگویی‌ها) از یک وجه، انقلابی و ضد فرهنگی است و بنابراین، جامعه و فرهنگ را از درون وارونه می‌کند؛ طوری که کسانی که هیچ‌کس به آنها توجه نداشته، عیسی

و شادی در اهانت است که در ضمن توضیح آنها و بیان وجوه اجتماعی‌شان به تفصیل ذکر خواهد شد.

فقر

یکی از چهار سعادت اصلی در موعظه سر کوه Q مرتبط با فقر است که به‌مثابه یک ایده‌آل و یک دغدغه اجتماعی مطرح است. فقرا در موعظه سر کوه Q یکی از گروه‌هایی هستند که برکت داده شده‌اند و در جرگه سعادت‌مندان قرار دارند. با بررسی سند Q و رساله یعقوب می‌توان گفت موعظه سر کوه و رساله یعقوب دارای ویژگی مشترک‌اند که به‌وضوح اثبات‌کننده تأثیر موعظه سر کوه Q بر رساله یعقوب است: هر دو به «فقرا» در ارتباط کامل اشاره دارند؛ به این معنا که مقصودشان، فقرا در معنای کسانی است که دچار فقر مادی‌اند؛ درست برعکس انجیل متی که فقرا را به صورت تحول‌یافته، بیشتر به‌عنوان «مسکینان در روح» معرفی کرده است. همچنین، هر دو به «ملکوت» اشاره دارند؛ با این تفاوت که در Q تناقض دقیقی بین فقرا و ملکوت خیلی واضح نیست؛ اما در تدوین یعقوب به‌طور واضح بیان شده است (۲، ۵ یعقوب). در این فقره، فقرا مبارک قلمداد می‌شوند؛ زیرا آنها به‌عنوان وارثان ملکوت، ثروتمند می‌شوند. همچنین فقیر در مقابل ثروتمند قرار می‌گیرد و جهان با ملکوت در تضاد است. بر این اساس، رساله یعقوب همانند متی و لوقا که در چارچوب خودشان سعادت‌ها را تغییر شکل دادند، سنت Q را در زمینه سعادت‌ها بازسازی می‌کند و این بدین معناست که یعقوب همانند لوقا از مطالب مشترک Q به روش فردی خود استفاده کرده است (Hartin, 1991, p. 150, 170, 171).

پرسش مطرح در اینجا آن است که مبارک قلمداد شدن

به‌عنوان مصلح یا رهبر به آنها برکت می‌دهد. از وجه دیگر، سعادت‌ها یک مانیفست بنیادی از سبک زندگی پادشاهی است؛ زیرا عیسی نشان می‌دهد چه کسی در آن است و چه کسی نیست. در واقع سعادت‌ها یک ایدئال چندبعدی هستند که دربرگیرنده هر سه ساحت فردی، اجتماعی و الوهی است. به گفته هاوئرواس، غالباً این سعادت‌ها به آرمان‌هایی تبدیل می‌شوند که باید برای رسیدن به آنها تلاش کرد. آنها به‌عنوان ایدئال می‌توانند به فرمول‌های قدرت تبدیل شوند، نه آنکه توصیف نوع افراد مشخص در عصر جدید توسط عیسی با شند؛ بنابراین، عیسی به ما نمی‌گوید که باید سعی کنیم هویتی ضعیف در جامعه پیدا کنیم، فقیر شویم، عزاداری کنیم یا خود را تحت آزار قرار دهیم؛ بلکه می‌گوید مقصود، درست زندگی کردن در هر شرایطی است و بسیاری از کسانی که به پادشاهی فراخوانده می‌شوند، خود را تا این حد شکل می‌دهند (Mcknight, p. 33, 34)؛ بنابراین، سعادت‌ها چیزی کمتر از یک انقلاب ارزیابی نیست. آنها ارزیابی و سنجش میزان وجود معنویت و محبت در انسان است تا مشخص شود تا چه اندازه عمل می‌کند. آنها دیدگاه الهی درباره مردم واقعی خداست و هر فردی اگر بخواهد در فرهنگ خود سعادت یابد، باید این زاویه را داشته باشد (Ibid, p. 52, 35, 34).

وجه کلی تأثیر سعادت‌ها در موعظه سر کوه Q بر رساله یعقوب بحث کمال است؛ چنانکه کنت بیان می‌کند همان‌طور که سعادت‌ها دربرگیرنده طرق مربوط به کمال‌اند، دغدغه اساسی یعقوب نیز کمالی است که دارای معیارهایی برای دستیابی به آن است (Kenneth, 1991, p. 64). وجوه دیگر تأثیر سعادت‌های موعظه سر کوه Q بر رساله یعقوب شامل فقر، گرسنگی، ماتم بر اعمال اشتباه

تعریف راجع به فقر اطلاق پذیر به امپراطوری روم در زمان ظهور عیسی است.

۱. به‌گفته هنری، فقر به معنای فقدان نسبی درآمد، دارایی، خدمات پایه، منزلت، تحرک اجتماعی و عدم مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها به اشکال گوناگون است (رجوع شود به مارک هنری، ۱۳۷۴: ۳۲۵). این

مثبت در جامعه و در نتیجه، تأییدنشدن نابرابری است.

گرسنگی

سعادت اصلی دیگر در موعظه سر کوه Q مختص گرسنگان یا گر سنگی است که از ابعاد فقر است و دارای وجهی اجتماعی است. Q به کسانی که گر سناهند، وعده می‌دهد که سیر خواهند شد. یعقوب نیز که وام‌گیرنده تعالیم موعظه سر کوه است، لزوم توجه به این گروه را بیان می‌کند و آن را به‌عنوان نمونه‌ای از عمل خیر در پیوند با ایمان معرفی می‌کند:

«اگر دوستی داشته باشید که محتاج خوراک و پوشاک باشد و به او بگویید برو به سلامت. خوب بخور و خودت را گرم نگه دار، اما خوراک و پوشاک به او ندهید، چه فایده‌ای دارد! پس ملاحظه کنید ایمانی که منجر به اعمال خیر نگردد و با کارهای نیک همراه نباشد، اصلاً ایمان نیست، بلکه ادعای پوچ و تو خالی است؛ و در ادامه، اعمال را که سیرکردن گرسنگان مصداقی از آن است، اثبات‌کننده ایمان و در نتیجه، حقیقی بودن ایمان معرفی می‌کند و آن را در کنار ایمان، موجب رستگاری انسان می‌داند (۱۷-۲، ۱۵ یعقوب). به نظر می‌رسد این موضوع بیان‌کننده نگاه پراگماتیستی یعقوب است.

یعقوب مثالی را بیان کرده است که «ایمان بدون عمل شبیه بدن بدون روح است» (۲، ۲۵ یعقوب). به نظر می‌رسد همان‌طور که دیویلز بیان می‌کند یعقوب در ساخت این حکایت، از سنت مسیح و به‌ویژه از سعادت منبع Q استفاده می‌کند تا خوانندگان خود را به اهمیت عمل متوجه سازد (Davids, 2013, p. 121). این توجه به اهمیت و جایگاه عمل در ایمان و رستگاری و توجه به سیرکردن گرسنگان که در قسمت بالا به آن اشاره شد، در فضایی است که به گفته اریک فروم، جامعه شناس مکتب فرانکفورت، ظلم و آزار سیاسی و نیز وجود نابرابری و

فقر بیانگر چه معنایی است. معنای اولی که از مبارک قلمداد شدن فقرا می‌توان دریافت ارزش‌گذاری به قشر فقیر جامعه است؛ اما این تنها جنبه‌ای از معنای آن در Q است. معنای دیگر و عمیق‌تر آن، رویکرد ما نسبت به این گروه یعنی فقرا است؛ همچنان که بتل می‌گوید، ما در ارتباطات موجود برای تأمین نیازهای اساسی انسانی فقرا و تضعیف هرگونه احساس عدالت اجتماعی در متن خود منافع و مسئولیت داریم (Battle, 2009, p. 54). به نظر می‌رسد عیسی به دنبال سخاوت فعالانه است و از انفعال طرفداری نمی‌کند. مکنایت در این ارتباط می‌گوید عیسی پیروان خود را ترغیب می‌کند به کسانی که گدایی می‌کنند چیزی بدهند؛ اما بدون بازپرداخت یا حتی بهره که فرهنگ رایج جامعه آن زمان بود. عیسی با ایجاد نظامی از فضل، عطوفت و عشق در جامعه، سیستم دادگاه و قصاص و پرداخت جرائم را برانداز می‌کند؛ زیرا در پی ایجاد فرهنگ سخاوت است. او در دنیای پادشاهی فعالیت می‌کند و از فرااخلاق سخن می‌گوید (Mcknight, 126, 127, 128). هرچند هر دو معنای مطرح راجع به مبارک قلمداد شدن فقرا معنایی مثبتی را به دست می‌دهد، معنای اول را می‌توان دارای اثرگذاری منفی در نظر گرفت؛ مبنی بر اینکه عیسی با چنین ارزش‌گذاری موجبات ترغیب به فقر را فراهم می‌آورد؛ ضمن آنکه موجب سقوط گروه‌ها از طبقه فعلی اجتماعی‌شان و ایجاد زمینه سوءاستفاده قدرت‌ها می‌شود؛ با این حال، آنچه مسلم است آن است که در میان تئوری‌های علوم اجتماعی سنتی که دارای دو رویکرد کارکردگرایانه و کشمکشی است، نگرش عیسی در گروه دوم قرار دارد؛ زیرا همان‌طور که در رویکرد کشمکشی با تأثیر مثبت نابرابری طبقاتی مخالفت آشکاری دارد و به نوعی آن را موجه جلوه دادن نابرابری پایگاهی و ستم طبقاتی می‌دانند (زا هدی، ملکی و حیدری، ۱۳۸۷: ۸۰؛ Davis & Moore, 1945)، عیسی نیز با وجود ارزش بخشیدن به هویت فقیر در جامعه، افراد را به درمان فقر تشویق می‌کند که این به معنای نپذیرفتن فقر به مثابه امری

زیست درست و دوری از ارتکاب عمل اشتباه در زندگی است. این موضوع دارای وجهی اجتماعی نیز هست؛ زیرا در اجتماع به مثابه یک کنترل درونی^۴ عمل می‌کند. این ماتم بر عمل اشتباه و این کنترل درونی در فقره ۹ از باب ۴ رساله یعقوب نیز دیده می‌شود:

«برای اعمال اشتباه خود اشک بریزید و ماتم کنید و در عمق وجودتان غمگین و ناراحت باشید؛ به جای خنده، گریه کنید و به جای شادی، سوگواری نمایید» (۴، ۹ یعقوب).

در علوم اجتماعی کنترل درونی نوعی سازوکار کنترل اجتماعی به شمار می‌آید که به واسطه آن، فرد خود را از درون به انجام رفتار مورد انتظار خویش ملزم می‌کند، بدون آنکه نیاز به وجود انواعی از الزام‌ها یا محدودیت‌های ملموس و فیزیکی یا اعمال آنها در راستای الزام به انجام آن رفتار را احساس کرده باشد. برخی متفکران علوم اجتماعی هنگام بحث از انواع متفاوت ضمانت اجرایی کنترل رفتار، پیش از هر چیز خاطر نشان می‌کنند که به هیچ روی نمی‌توان آن دسته از نظام‌های کنترل اجتماعی را که تنها بر تشویق و تنبیه‌های بیرونی متکی‌اند، نظام‌های کارآمدی به شمار آورد (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۵۱۱-۵۰۸؛ شفازاده، ۱۳۹۸: ۱۱۶ و ۱۱۷). این نگرش متفکران بیانگر اهمیت کنترل درونی در مقابل کنترل بیرونی است که در ایده ماتم بر ارتکاب عمل اشتباه در دو متن فوق مشاهده می‌شود و نشان‌دهنده توجه دین به کنترل فرد در اجتماع است. از منظر دقیق‌تر، ماتم بر ارتکاب عمل اشتباه در موعظه سر کوه Q و رساله یعقوب را می‌توان به معنای

شکاف طبقاتی عمیق، مردم فرودست امپراطوری به‌ویژه تهیدستان یهودی را به‌طور هم‌زمان درگیر رودرویی سیاسی با رم و مبارزه طبقاتی بر علیه اورشلیم می‌کرد و مخالفت‌های پراکنده جز افزایش فشار و تعمیق شکاف‌ها، نتیجه‌ای در تغییر اوضاع و بهبود شرایط سخت زندگی در بر نداشت (شجاعی زند، ۱۳۸۰: ۷۶)؛ بنابراین این نیاز مطمح نظر بود که بدون مخالفت و با عمل به تعالیم دینی - اجتماعی که رنگ و بوی مبارزه‌ای نرم با سسیستم رایج را دارد، به درمان آسیب اجتماعی‌ای همچون فقر پرداخته شود.

ماتم و گریه

یکی دیگر از سعادت‌های Q که جزء ایده‌های آرمانشهرانه موعظه سر کوه Q مطرح می‌شود و یکی از مصادیق کنترل در اجتماع است، اختصاص به ماتم بر ارتکاب اعمال اشتباه دارد. همان‌طور که هارتین بیان می‌کند شباهت واقعی بین سعادت‌های Q و فقره ۴، ۹ رساله یعقوب در استفاده از یک فعل *nevén* (ماتم‌کردن) دیده می‌شود (Hartin, 1991, p.151) که نشان از الهام گرفتن رساله یعقوب از موعظه سر کوه Q دارد؛ ضمن آنکه دلیل ماتم در هر دو به سبب ارتکاب اعمال اشتباه انسان یعنی گناه است.^۲ نکته جالب توجه آنکه دلیل ماتم در تفاسیر مربوط به سعادت‌های موجود در کتاب عهد جدید فعلی، گناه نخستین است. در دو متن بررسی شده، ذکر دلیل برای ماتم و گریه بیانگر آن است که این نوع ماتم و اشک نه به معنای داشتن رویکرد منفی‌نگر^۳ به زندگی بلکه به لحاظ روانشناختی به معنای تأکید بر داشتن

۱. در مدل بوم‌شناختی فاصله اجتماعی بین گروه‌ها و طبقات در شهرها، جدایی مکانی آنها را موجب می‌شود. مفهوم جدایی به معنای صورت کم‌وبیش نهادی‌شده‌ای از فاصله اجتماعی است که با جدا شدن در فضا ابراز می‌شود (رجوع شود به فیالکوف، ۱۳۸۳: ۷۶). مفهوم دیگری که در این ارتباط باید به آن اشاره کرد، مفهوم نظریه طرد اجتماعی است که اطلاق‌پذیر به اشخاصی است که مشارکت اجتماعی فعالی نداشته و به‌نوعی منزوی شده‌اند. طرد اجتماعی ضمن آنکه فقر

۲. Peddimism

۳. Internal Control

امیدی است که در محتوای ایدئال «شادی تحت آزار و اهانت» قرار دارد؛ امیدی که جوهره ملکوت مسیحی است و وجهی از انقلاب فکری عیسی را نشان می‌دهد. این امید، به اعتقاد آگو ستین، ارزست بلوخ و گابریل مار سل، ارتباطش با ایمان و عشق، به قوت خود باقی خواهد ماند. مارسل معتقد است امید راهی برای رهایی از تنگنای زندگی و نجات از سختی‌های آن است؛ زیرا این تنگناها و رنج‌ها علت و انگیزه ناامیدی هستند (استراترن، ۱۳۸۵: ۱۸).

پرسش دیگر مطرح شده آن است که موعظه سر کوه Q و رساله یعقوب چگونه ایده شادی در اهانت را عینی می‌سازد و آن را امکان‌پذیر نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد موعظه سر کوه در Q و به تبع آن رساله یعقوب (۱۱-۵-۱۰)، هوشمندانه شیوه‌ای را برای عینیت‌بخشیدن به سعادت فوق و اجرایی‌بودن آن به‌کار بسته‌اند و آن این است که تنها انسان‌ها را به شادی و استقامت در رنج‌ها فرا نخوانده‌اند؛ بلکه به مثال عینی این سعادت و سبب استقامت در رنج یعنی پیامبران اشاره کرده‌اند که در رنجشان برکت می‌یابند، برکتی که به سبب تحمل صبورانه رنج و نه صرف تجربه رنج است و این استراتژی بسیار جالبی است؛ زیرا جامعه Q خودشان را جامعه پیامبرانی می‌دیدند که متعهد به تقلید از زندگی عیسی هستند (Hartin, 1991: P. 161).

پیش از پرداختن به جنبه‌های دیگر موعظه سر کوه Q و تأثیر آن بر رساله یعقوب باید بیان داشت صلح و پاکی قلب (فقره ۴،۸ رساله یعقوب و فقره ۵،۸ متی) از مفاهیم موجود در سنت تحول‌یافته Q یعنی در سعادت‌های ظهوریافته در متن جامعه متأبی است که در رساله یعقوب

نمی‌کند (رجوع شود به کروز، به نقل از عابدی، شوایخی و تاجی، ۱۳۸۷: ۴۵-۵۸).

۲. به نقل از هارتین، در عهد جدید فقط دو متن درباره ایجاد صلح صحبت می‌کند: فقرات ۵،۹ متی و ۳،۱۸ رساله یعقوب (رجوع شود به Hartin, 1991, p. 155).

کنترل ماوراءطبیعی دانست که یکی دیگر از انواع کنترل‌ها در علوم اجتماعی است. در این نوع از کنترل، اعتقاد به تنبیه و پاداش نیروی ماوراءطبیعه موجب پرهیز فرد از رفتارهای اشتباه می‌شود (همان: ۵۱۷ - ۵۱۵؛ ۱۱۸ و ۱۱۹).

شادی در اهانت

سعادت یا ایدئال آخری، که می‌توان در موعظه سر کوه Q از آن سخن گفت، راجع به کسانی است که زمانی که به آنها اهانت می‌شود، به لحاظ روانشناختی شادند (Mcknight, 36). در واقع دیدگاهی که عیسی در موعظه سر کوه به کلیسا ارائه می‌دهد، آن است که رنج، بخشی از تاریخ رستگاری است و پاسخ مناسب مسیحیان به آن، پاسخ شادی است (Davids, 2013, p. 68). به لحاظ اجتماعی، ایده شادی در اهانت ضمن آنکه موجب ایجاد عشق و استحکام روابط در اجتماع می‌شود، مؤثر در خلق انگیزه در کنش اجتماعی مطلوب است. ردپای این سعادت از هر دو وجه اصطلاحی و محتوایی در رساله یعقوب مشاهده می‌شود؛ آنجا که یعقوب مخاطبان را به شادی در رنج‌ها و آزمایشات فرا می‌خواند و آن را ناشی از پابندی به ایمان مسیحی می‌داند (Jas 1.2-3). در هر دو این متون به شادی در رنج‌ها فرا می‌خوانند و بر این نگرش‌اند که رنج‌ها از منابع خارجی ناشی می‌شوند و وقتی تجربه می‌شوند، باید با خوشحالی پذیرفته شوند؛ زیرا آنها با خودشان کامیابی و خوشبختی آخرت شناختی می‌آورند؛ بنابراین، عیسی و یعقوب هر دو شنوندگان خود را به رؤیت رنج‌های خود در پرتو آخرت‌شناختی فرا می‌خوانند. در واقع، نکته نهفته در این بحث، همان‌طور که بیان شد،

۱. کروز (Cruise) ضمن بیان جوهر امید در ادیان، به نگاه فرد دیندار به پدیدارها اشاره دارد. او می‌گوید: دین چهره جهان را در نظر فرد دیندار تغییر می‌دهد و طرز تلقی او را از خود، خلقت و رویدادهای پیرامون دگرگون می‌سازد؛ اینگونه که تحمل رنج‌های زندگی برای فرد معنادار می‌شود و ناامیدی و اضطراب در فرد رسوخ

شروانه قرار دهد. این ایدئال به لحاظ جامعه‌شناختی دارای نسبت با دموکراسی است؛ با این ادله که محبت به دشمنان بیانگر مفهوم مدارا است و این مفهوم در دیدگاه برخی جامعه‌شناسان جوهره دموکراسی را تشکیل می‌دهد (بشیری، ۱۳۷۴: ۶۱). در اینجا بیان این نکته ضروری است که اشکال دیگری نیز در ادیان برای مدارا وجود دارد؛ اما دین یا تمام ادیان در تمام شرایط موجب مدارا در جامعه نمی‌شوند. در این ارتباط ماکس وبر ضمن تفکیک انواع ادیان، از تنش‌های میان دین و رفتارهای اجتماعی و از جمله امور سیاسی، جنسی و رفتارهای اقتصادی و ... سخن می‌گوید (وبر، ۱۳۸۲: ۴۰۲-۳۷۵). آلپورت نیز کارکرد دین را درباره مدارا با مخالفان تناقض‌آمیز می‌داند و معتقد است دین هم موجب تعصب و هم موجب اخوت و برادری است (آلپورت، ۱۳۷۹: ۵۹؛ سراج‌زاده، شریعتی مزینانی و صابر، ۱۳۸۳: ۱۱۷). در اینجا برای ارائه تئوری صحیح راجع به دین و مدارا باید هر دینی را به‌طور جداگانه، بررسی و در عین حال، دو مفهوم دین و پیروان دینی را از هم تفکیک کرد.

محتوای مشابه محبت به دشمنان در رساله یعقوب نیز مشاهده می‌شود. در رساله یعقوب توجه به قانون عشق به همسایه، به‌عنوان قانون ملکوتی مطرح است؛ همچنان‌که این قانون در سنت هم نظیر، قانون مرکزی است. در ادامه بیان این قانون، یعقوب با ذکر مثال‌هایی از زنا و قتل، به قانون‌شکنی اشاره می‌کند (۲، ۱۱ یعقوب). از نظر کیتل، وقتی یعقوب به خوانندگان خود هشدار می‌دهد که نکشند، نه فقط خودداری از یک عمل فیزیکی را مطرح می‌سازد، بلکه امتناع از نگرش جامع‌تری نسبت به نفرت از دیگری را بیان می‌کند (Kittel, 1942). براساس شواهد فوق، جامعه توصیف‌شده در موعظه سر کوه Q و رساله یعقوب جامعه‌ای است که اساس آن را عشق و محبت انسان‌ها نسبت به یکدیگر تشکیل می‌دهد. این محبت ضمانت‌کننده عنصر انسجام و استحکام اجتماعی در هر شرایط است و

وجود دارد؛ اما جزء تعالیم موعظه سر کوه Q نیست. درواقع، صلح و پاکی قلب وجوه تمایز رساله یعقوب از موعظه سر کوه Q هستند. در میان این دو مفهوم، صلح دارای وجه اجتماعی بارزی است و بحث‌های درباره آن را می‌توان در تئوری‌های جدید دنبال کرد. پیوند میان صلح و خرد در فقرات ۱۷ و ۱۸ از باب ۳ رساله یعقوب در نظریه صلح دموکراتیک متفکران علوم سیاسی و متخصصان صلح نظیر پتی و وبر وجود دارد که قرن‌ها پس از یعقوب ظهور یافته‌اند. این محققان بیان می‌کنند دو کشور عقلانی با تمسک به عقلانیت به‌مثابه دانش مشترک و باور به ناکارآمدی جنگ، پذیرای صلح‌اند. این کشورها برخلاف لیگارش‌ها و دیکتاتورهای، دارای بازیگران عقلانی‌اند و به هیچ جنگی تن نمی‌دهند (براتعلی‌پور، ۱۳۹۴: ۴۸). همچنین علت جنگ یا فقدان صلح در فقره ۱ و ۲ از باب ۴ رساله یعقوب که به کمبود درونی، حسادت و حرص برای داشتن پیوند داده می‌شود، در سخنان فیلسوفی نظیری راولز راجع به جنگ نیز دیده می‌شود. راولز بر این باور است که صلح حقیقی میان دولت‌های دموکراتیک به دلیل وجود رضایت همه افراد از سهم‌شان است (Rawls, 1999, p. 44-54).

جنبه‌های دیگر موعظه سر کوه Q و تأثیر آن بر رساله یعقوب

این بخش اختصاص دارد به بخش‌های دیگر موعظه سر کوه Q که دارای وجهی اجتماعی‌اند و ردپای آن بر رساله یعقوب نیز ملاحظه می‌شود.

محبت به دشمنان

یکی از جنبه‌های مطرح در موعظه سر کوه Q، محبت به دشمنان است. در این موعظه از مؤمن مسیحی خواسته می‌شود فراتر از محبت به همسایه با دشمنان نیز مصالحه شود؛ بدین معنا که در مقابل تنفر و توهین دشمنان، مؤمن مسیحی محبت و دوستی را به‌مثابه واکنشی برای فعل

مانع نابودی وحدت و همدلی یک جامعه می‌شود.

عدم قضاوت

جنبه دیگر موعظه سر کوه عدم قضاوت است که به‌عنوان ایده‌ای آرمانشهرانه و هنجاری اجتماعی مطرح است. موعظه سر کوه Q تأکید می‌کند از آنجا که تنها خدا قاضی است، کسی حق ندارد این نقش را غصب کند (Hartin, 1991, p. 167)؛ به این معنا که قضاوت تنها شایسته خداوند است و قضاوت توسط انسان امری قبیح است. با بررسی متن رساله یعقوب ردپای این مفهوم که متعلق به موعظه سر کوه است، دیده می‌شود. یعقوب قضاوت را در دو ساحت الهی و انسانی بررسی می‌کند؛ آنجایی که در ساحت انسانی سخن می‌گوید، امر به عدم قضاوت درباره دیگران و خرده‌گیری از آنها می‌کند (۴، ۱۱ یعقوب) یا امر به عدم قضاوت در پس نهی از محکوم ساختن مردم بی‌گناه بی‌دفاع می‌کند (۵، ۶ یعقوب). در مقابل، آنجایی که در ساحت ربوبی سخن می‌گوید، امر به عدم قضاوت درباره احکام می‌کند (۴، ۱۱ یعقوب) و قضاوت و داوری را شایسته خدا معرفی می‌کند (۵، ۹ یعقوب). همان‌طور که از مطالب فوق فهمیده می‌شود موعظه سر کوه Q و به تبع آن، رساله یعقوب قضاوت را امری منفی می‌داند و انسان را از آن برحذر می‌دارد. این در حالی است که در علوم اجتماعی، قضاوت لزوماً به معنای ناهنجاری اجتماعی نیست. افراد دائماً راجع به پدیدارهای مختلف از جمله سلامت، رفتارهای فردی و اجتماعی، شغل و کلیه اعمال اجتماعی دست به قضاوت می‌زنند (Lerner, 2009)؛ تنها چیزی که مهم است، دقتی است که باید در آن داشت. به‌گفته ولز و زاندر، دقت قضاوت بر کیفیت تعاملات و هم‌بر موفقیّت زندگی شخصی و عملکرد شغلی تأثیر بسزایی دارد (Volz and Zander, 2014)؛ بنابراین، در نگاه علوم اجتماعی

قضاوت می‌تواند از صورت ناهنجاری اجتماعی خارج شود؛ در حالی که در متون بررسی‌شده در این پژوهش نقش قضاوت چنان دشوار است که باید از آن برحذر کرد و آن را به خدا محول ساخت.

رحمت

رحمت و مهر بانی یکی از عواطف اجتماعی مثبت است که هرچند از نظر عده‌ای ممکن است استراتژی‌هایی برای دریافت پذیرش اجتماعی و احساس خودکارآمدی شخصی با شد (Mikulincer, Shaver, 2005, p. 34-38)، آنچه مسلم است موجب بهداشت روان بیشتر و پیوستگی اجتماعی و پیشرفت فرد و جامعه می‌شود (Williams, 2009, p. 284-298). در موعظه سر کوه Q به این عاطفه اجتماعی که جزء مصادیق اخلاق اجتماعی نیز محسوب می‌شود، اشاره شده است. در Q مفهوم رحمت صفت مشخصه خدا است؛ خدایی که او صافش‌الگوی برای زیست انسان است. در مقابل، جامعه‌متایی این رحمت و مهربانی خدا را به‌عنوان یک سعادت، به منظور تشریح نوع زندگی یک مسیحی به وجود آورد. در رساله یعقوب، به سبب آنکه یعقوب نسبت به منبع Q و سنت تحول‌یافته آگاهی داشت، هر دو این مضامین قابل ملاحظه است. به‌عبارت دقیق‌تر، یعقوب آنگاه که می‌گوید «خدا نیز ایوب را کامیاب ساخت؛ زیرا او بسیار رحیم و مهربان است» (۵، ۱۱ یعقوب)، آگاهی از سنت Q مبنی بر اینکه خداوند مهربان است را نمایان می‌سازد و آنگاه که می‌گوید اگر نسبت به مردم رحیم بوده باشید، رحمت الهی بر داوری او چیره خواهد شد (۲، ۱۳ یعقوب)، آگاهی از تحول سنت Q در جامعه‌متایی را نشان می‌دهد که به موجب آن، این جمله به یک سعادت بر رحمت تبدیل شده است. در سنت عیسی تعالیم زیادی به مضمون رحمت داده می‌شود که اهمیت این مضمون در گروه

۱. این تأکید بر رحمت و وجود آن در انسان و خدا در فقره ۶، ۳۶ لوقا وجود دارد که به تقلید انسان از رحمت خدا اشاره می‌کند.

تفکر واقعی (Hartin, 1991, p. 169) و نیز در فرم پرسشگونه هر دو وجود دارد. در فقره ۱۲ از باب ۳ رساله یعقوب بیان شده است: «آیا می‌توان از درخت انجیر، زیتون چید یا از تاک می‌توان انجیر چید؟ نه. به همین ترتیب، از چاه شور نیز نمی‌توان آب شیرین و گوارا کشید. اگر خود را خردمند و حکیم می‌دانید، باید همواره مهربان و نیکوکار باشید...» این پرسش در موعظه سر کوه Q نیز مطرح است. از نظر دیویدز، مطابق محتوای این پرسش، همان‌طور که یک درخت فقط مطابق با طبیعت آن، میوه خوب یا بد تولید می‌کند، اشخاص نیز مطابق ذات خودشان، ایجادکننده اعمال نیک یا بد خواهند بود (Davids, 2013, p. 148). بر این اساس، محتوای پرسش فوق مبنی بر وعده ثمره کارهای نیک، یکی از اثرات موعظه سر کوه Q بر رساله یعقوب است.

به لحاظ اجتماعی، کارهای نیک که در موعظه سر کوه Q و رساله یعقوب بیشتر مربوط به اخلاقی‌زیستن است، به‌مثابه هنجارهایی اخلاقی و الهی برای جامعه آرمانی‌شان است و وعده ثمره کارهای نیک، نخست به‌مثابه امیدبخشی به افراد آن جامعه و دوم به‌مثابه راهکاری برای جلوگیری از قانون‌گریزی است.

عمل به کلام

موعظه سر کوه Q مثل «خانه ساخته‌شده روی صخره» را با گفتن مفهوم «عمل‌کننده به کلام» که بیانگر عمل به قانون است، بیان می‌کند. ردپای این مفهوم در فقره ۲۲ از باب ۱ رساله یعقوب مشاهده می‌شود. در واقع Q و رساله یعقوب هر کدام علاقه نشان می‌دهند به اینکه عمل‌کننده کلام هستند و فقط شنونده کلام نیستند و دیگران را به آن تشویق می‌کنند. عبارت «عمل‌کننده به کلام» تا حد زیادی با مفهوم یهودی «اجرای قانون» مطابقت دارد (Laws, 1980, p. 85) که در نوشته‌هایی مانند Macc. 2.16 و Sir. 19.20 مشاهده می‌شود (Davids, 2013, p. 97). به‌طور جامع نه‌فقط این دو نوشته، همه حلقه‌های تعالیم

سعادت‌ها را روشن می‌سازد (Hartin, 1991, p. 152, 154). پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود آن است که آیا رحمت و مهربانی در ایده‌های جامعه عصر وجود نداشت که عیسی بر رحمت و مهربانی تأکید می‌کرد. در عهد عتیق که کتاب مقدس یهودیان است و عیسی به‌مثابه یک شهروند یهودی با مضامینش آشنا بود، آمده است: «ترحم نکن: زندگی برای زندگی، چشم برای چشم، دندان برای دندان، دست برای دست، پا برای پا» (۱۹:۲۱ تثنیه). این نگرش فقط در ارتباط با قتل نیست، بلکه برای کل سیستم است. در این نگرش، یک جرم مستلزم قصاص عادلانه است؛ پس عدالت مستلزم مجازات است. عیسی به این تاریخ حقوقی قدم می‌گذارد (Davis, 2005, p. 281) و به جای لزوم قصاص، می‌گوید در برابر شخص شرور مقاومت نکنید و رحیم باشید. در واقع عیسی به جای پیگرد قانونی و جبران عدم تعادل عدالت، راه دیگری را شکل می‌دهد: رحمت‌کردن و گشودن سیستم مجازات که جامعه ما را فراگرفته است. عیسی نشان می‌دهد لطف، عشق، بخشش و در یک کلام، رحمت می‌تواند خطرات قصاص را معکوس کند و حتی بیشتر، جامعه‌ای جایگزین ایجاد کند (Mcknight, 122, 123, 124, 130)؛ جایگزین جامعه‌ای که در آن، کفایت قوانین سیستم‌های اخلاقی فعلی وجود نداشت و نیاز به تجدیدنظر جدی در برداشت از عدالت بود. به بیان آستین، طبیعتاً بازخورد چنین تئوری و بحث‌های حقوقی حضرت عیسی که بسیار متفاوت از بحث‌های رایج در آن زمان بود، خصم مفسران حرفه‌ای قانون را برانگیخت (Easton, 1914, p. 240).

وعده ثمره کارهای نیک

ارتباط دیگر بین موعظه سر کوه Q و رساله یعقوب، وعده ثمره کارهای نیک است که جنبه امیدبخشی در جامعه الهی آرمانی دارد. فقرات ۱۲، ۳ یعقوب و Q 6.43-44 به لحاظ واژگان‌شناختی و زبانشناختی به نظر نمی‌رسد از یکدیگر مشتق شده باشند؛ اما شباهت‌ها در محتوای

به آنکه اظهار نظر قطعی در باب تاریخ نگارش این دو متن معقول به نظر نمی‌رسد، با این مدعا که در طول زمان ممکن است نقض آن مطرح شود، تنها می‌توان به وجوه مشابهت میان دو متن، هم‌عصری آن دو و تقدم عیسی بر یعقوب اشاره کرد. این دلایل، خواننده را به این مهم هدایت می‌کند که آبخور رساله یعقوب در اصل، متن موعظه سر کوه Q است که سرشار از تعالیم اخلاقی برای تعیین نوعی از سبک زندگی است که در غیریت با سبک حیات فعلی آن زمانه قرار دارد. عیسی به‌مثابه یک مصلح اجتماعی و یعقوب نیز به‌عنوان پیرو و ادامه‌دهنده اصلاحات عیسی، دارای دغدغه انقلاب فرهنگی و اجتماعی در جامعه‌اند. همچنین هر دو هويت نمايانگر پارادوکس «رنالیسم ایدئالیسم» هستند؛ با این استدلال که هر دو در عین آنکه قدرت‌نمایی در برابر امپراطوری قدرتمند روم را همان‌طور که زیلوت‌ها با شکست مواجه شدند، بی‌فایده می‌دانستند، دغدغه ساخت جامعه‌ای آرمانی را در سر داشتند.

سعادت‌های Q به‌طور خاص نشان‌دهنده تشابه اصطلاحات و محتوای اجتماعی موعظه سر کوه Q با مفاهیم موجود در رساله یعقوب است؛ با این حال، مشابهت‌ها نه فقط در این جنبه از موعظه، در بیشتر محتوای موعظه مشاهده می‌شود. یعقوب دانش مربوط به سنت Q را همان‌طور نشان می‌دهد که در موعظه اصلی Q بیان شده است. همچنین شاهد چگونگی توسعه این مجموعه سنت در متن جامعه‌متأبی است؛ اما یعقوب دانش چگونگی تحول موعظه Q در سنت لوقایی را بیان نمی‌دارد. رابطه بین یعقوب و لوقا در این مورد، در سطحی باقی می‌ماند که یعقوب و لوقا از مطالب مشترک Q به روش فردی خود استفاده می‌کنند. ایده‌های آرمانشهرانه موعظه سر کوه Q نظیر «محبت به دشمنان» است که

یهودی شاهد این ایده‌اند که شخص باید به قانون عمل کند، نه آنکه فقط آن را بشنود. در ارتباط با قانون در جامعه، شلاپنتوخ بیان می‌کند حاکمیت قانون ضامن ثبات در جامعه، استحکام روابط اجتماعی در همه فضاهای زندگی و کارکرد معمول سیستم‌های اقتصادی و سیاسی علاوه بر سلامت فیزیکی آحاد مردم است (شلاپنتوخ، ۱۳۹۵: ۲۷؛ میرزایی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۴)؛ البته یک وجه تمایزی میان قانون موعظه سر کوه Q و رساله یعقوب با قانون شلاپنتوخ وجود دارد و آن در الهی یا انسانی بودن یا توأم با عطفوت یا جدیت بودن آنها است؛ اما این وجه تمایز مبتنی بر الهی یا غیرالهی بودن قانون، کارکرد قانون^۱ در جامعه را که در بیان شلاپنتوخ ذکر شد، متفاوت نمی‌سازد. نکته شایان توجه آن است که تقابل تعالیم عیسی و یعقوب با زیلوت‌ها در تاریخ امپراطوری روم همچون تقابل باورهای منسیوس و قانونیان در تاریخ چین باستان است. نکته حائز اهمیت آن است که در متن Q وقتی یعقوب از قانون به‌عنوان «قانون کامل، قانون آزادی» (۱، ۲۵ یعقوب) و «قانون ملکوت» (۲، ۸ یعقوب) یاد می‌کند، او نه شرط‌های قانون یهود بلکه قانون جدید را همان‌طور که توسط عیسی آموخته و بیان شده است، در نظر دارد.

کلام پائی: گرچه موارد تطبیقی بیان‌شده برای سعادت‌ها بیشتر رفتاری هستند، پژوهش حاضر می‌تواند آغازگر بحث‌های مؤثر دیگر در باب جنس سعادت‌ها در Q باشد و زمینه‌ای را برای طبقه‌بندی موارد نه‌گانه مذکور در سه ساحت بینشی (شناخت)، گرایشی (میل) و کنشی (رفتار) فراهم سازد.

نتیجه

در بحث تأثیرپذیری رساله یعقوب از منبع Q با توجه

۱. مقصود از قانون در اینجا، قانون مستبدانه و دارای تبعیض نیست؛ بلکه قانونی عادلانه است.

سراج‌زاده، سید حسین، شریعتی مزینانی، سارا و سیروس صابر، (۱۳۸۳)، بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی، مشهد، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد.

سلیمی، علی و محمد، (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی کجروی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سیدنتاب، لری، (۱۳۷۴)، توکویل، ترجمه: حسن کامشاد، تهران، طرح نو.

شجاعی‌زند، علی‌رضا، (۱۳۸۰)، «سطوره‌زدایی از پیام مسیح»، کتاب ماه دین، شماره ۴۷ و ۴۸، صص ۸۵-۱۰۵.

شجاعی‌زند، علی‌رضا، (۱۳۸۸)، «عرفی‌شدن دین، فرد، جامعه، نقد و نظر»، مجله نقد و نظر، شماره ۲۱ و ۲۲، صص ۱۸۸-۲۳۱.

علی‌خانی، اسماعیل، (۱۳۹۶)، «منا سبات دین و دولت در آیین مسیح، مقالات و بررسی‌های دانشگاه تهران»، ادیان و عرفان، دوره پنجاهم، شماره ۲، صص ۲۴۳-۲۶۵.

کلو سکو، جورج، (۱۳۹۱)، تاریخ فلسفه سیاسی: دوران کلاسیک، مترجم: خشایار دیهیمی، تهران، نشر نی.

کونگ هانس، (۱۳۸۴)، تاریخ کلیسای کاتولیک، حسن قنبری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

مارک هنری، پاول، (۱۳۷۴)، فقر، پیشرفت و توسعه، ترجمه مسعود محمدی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

محققیان، زهرا و اعظم پرچم، (۱۳۹۱)، «ماهیت امید، مقایسه‌ای تطبیقی بین اسلام و مسیحیت»، معرفت ادیان، دوره چهارم، شماره ۱، صص ۲۶۷.

مک کواری، جان، (۱۳۸۲)، «چهره عیسی مسیح در مسیحیت معاصر»، ترجمه بهروز حدادی، هفت آسمان، دوره پنجم، شماره ۱۷، صص ۲۰۵-۲۳۴.

وبر، مارکس، (۱۳۸۳)، دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد

بیان‌کننده عشقی جهانی است و به بیان آگوست‌کنت، حلال همه مسائل زمان از جمله وحدت و همدلی است؛ همچنین «تعریف کردن سعادت برای فقرا» و «وعده سیرکردن گرسنگان» که ناظر به بزرگداشت فقرا در جامعه و رفع معضل اجتماعی موجود است، «عدم قضاوت»، «رحمت و مهربانی»، «وعده ثمره کارهای نیک»، «شادی در اهانت» که جامعه‌ای ایدئال به لحاظ اخلاقی، معنوی و فرهنگی را شاکله‌بندی می‌کنند و جامعه فورمالیست موجود را تلطیف می‌سازند، وجوه اشتراک موعظه سر کوه Q و رساله یعقوب را تشکیل می‌دهند؛ ضمن آنکه مفاهیمی همچون «عمل به کلام» و «ماتم و گریه بر ارتکاب عمل اشتباه» نیز از دیگر وجوه این اشتراک است. تمام مشابهت‌های فوق دلالت بر شکل‌گیری شاکله فکری رساله یعقوب در بستره تعالیم موعظه سر کوه Q و وام‌گیری این رساله از تعالیم این موعظه دارند؛ همچنان‌که نزدیکی رساله یعقوب به سخنان عیسی را تقریب به ذهن می‌سازند. با توجه به آنکه Q معتبرترین سند برای سخنان عیسی است، این احتمال وجود دارد که اکتشافات جدید باستان‌شناسی در قرون بعد ثوری تأثیرپذیری رساله یعقوب از موعظه سر کوه Q را نقد کند؛ اما آنچه مسلم است وجوه افتراق این دو متن است که پژوهش حاضر بر آن صحه می‌گذارد.

منابع

آلپورت، گوردون، (۱۳۷۹)، «دین و تعصب»، ترجمه نازنین شاه رکنی، کیان، شماره ۵۲، صص ۵۹-۶۵.

استراترن، فیلیپ (۱۳۸۵)، الهیات امید، دائرةالمعارف راتلج، ترجمه مسعود فریامنش، تهران، روزنامه جوان.

بارنز المر و بکر هری، (۱۳۵۸)، تاریخ اندیشه اجتماعی از جامعه ابتدایی تا جامعه جدید، ترجمه جواد یوسفیان و علی اصغر مجیدی، تهران، امیرکبیر.

بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، دولت عقل: ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، مؤسسه نشر علوم نوین.

- Faryamanesh, M. (2006). *Translation of Philip Stratton's hope, Routledge encyclopedia of philosophy*. Tehran: (n.p) [In Persian].
- Ghanbari, H. (2005). *Translation of Hans Kung's history of the Catholic Church*. Qom: Center for Religious Studies and Research [In Persian].
- Hartin, P. J. (1991). *James and the Q sayings of Jesus*. Jso Press.
- Ivan, H. (1987). *Q: The sayings of Jesus: With a reconstruction of Q by Athanasius Polag*. Wilmington: Michael Glazier.
- Kamshad, H. (2016). *Translation of Larry Siedentop's Tocqueville*. Tehran: Farhang-e Javid Publication [In Persian].
- Kittel, G. (1942). Der geschichtliche Ort des Jakobusbriefes. *Zeitschrift für die Neutestamentliche Wissenschaft und die Kunde der älteren Kirche*, 41, 71-105.
- Laws, S. (1980). *A commentary on the epistle of James*. London: Black.
- Lerner, R. M. (2009). The positive youth development perspective: Theoretical and empirical bases of strengths-based approach to adolescent development. In: *Oxford Handbook of Positive Psychology*.
- Macquarrie, J., & Haddadi, B. (2003). The figure of Jesus Christ in contemporary Christianity. *Journal of Seven Heavens*, 5(17), 205-234 [In Persian].
- McKnight, S. (2013). *The Sermon on the Mount*. Grand Rapids, Michigan: Zondervan Academic.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2005). Attachment security, compassion and altruism. *Current Directions in Psychological Science*, 14(1), 34-38.
- Mohagheghian, Z., & Parcham, A. (2012). *The nature of hope; a comparison between Islam and Christianity*. Qom: Marifate Adyan [In Persian].
- Mohammadi, M. (1995). *Translation of Paul-Marc Henry's poverty, progress and development*. Fourth Edition. Tehran: Foreign Ministry Publication (In Persian).
- Otto, R. (1936). *The idea of the holly*. Translated by John W. Harvey. Oxford: Oxford University Press.
- Parham, B. (1990). *Translation of Georg Wilhelm Friedrich Hegel's positivity of the Christian religion*. Tehran: Agah Publication [In Persian].
- تدین، تهران، انتشارات هرمس.
- هگل، گئورگ و ویلهلم فریدریش، (۱۳۶۹)، *استقرار شریعت در مذهب مسیح*، مترجم: باقر پرهام، تهران، آگاه.
- یاسپرس، کارل، (۱۳۷۸)، *مسیح*، مترجم: احمد سمیعی، تهران، انتشارات خوارزمی.
- Alikhani, I. (2017). Relations between religion and state in Christianity. *Journal of Religions and Mysticism*, 50(2), 243-265 [In Persian].
- Allport, G., & Shahroki, N. (2000). Religion and prejudice. *Kian*, 4(52) (In Persian).
- Bashiriye, H. (1993). *The Kingdom of Reason: 10 essays in political philosophy and sociology*. Tehran: New Science Press [In Persian].
- Battle, J. (2009). *The Sermon on the Mount and political ethics*. London: House of Commons.
- Betz, H. D. (1978). Die Makarismen der Bergpredigt (Matthäus 5, 3—12): Beobachtungen zur literarischen Form und theologischen Bedeutung: Gerhard Ebeling zum 65. Geburtstag am 6. Juli 1977. *Zeitschrift für Theologie und Kirche*, 75(1), 3-19.
- Casey, M. (2005). *An aramaic approach to Q: Sources for the Gospels of Matthew and Luke*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Davids, P. H. (2013). *The epistle of James*. Greece: The New International Greek Testament Commentary (NIGTC).
- Davis, J. F. (2005). *Lex Talionis in early Judaism and the exhortation of Jesus in Matthew 5.38-42*. London: T & T. Clark /continuum.
- Davis, K., & Moore, W. (1945). Some principles of stratification. *American Sociological Review*, 10(2), 242-249.
- Deihimi, Kh. (2017). *Translation of George Klosko's history of political philosophy*. Tehran: Ney Publication [In Persian].
- Easton, B. S. (1914). *The Sermon on the Mount*. The Society of Biblical Literature.
- Farmer, T. J. (2012). *James in the "Q" sayings tradition: An examination of the Jesus Logia in the epistle of St. James*. PhD Thesis. University of Illinois Springfield.

- Troeltsch, E. (1992). *The social teaching of the Christian Churches*. Louisville, Kentucky: Westminster/John Knox Press.
- Volz, K. G., & Zander, T. (2014). Primed for intuition. *Journal of Neuroscience of Decision Making*, 1, 26-34.
- Williams, L. A., & Desteno, D. (2009). Pride: Adaptive social emotion or seventh sin?. *Journal of Psychological Science*, 20(3), 284-288.
- Yousefian, J., & Majidi, A. A. (1979). *Translation of Harry Elmer Barnes and Howard Becker's social thought from lore to science*. Tehran: Amirkabir Publication [In Persian].
- Patty, J. W., & Weber, R. A. (2006). Agreeing to fight: An explanation of the democratic peace. *Politics, Philosophy & Economics*, 5(3).
- Rawls, J. (1999). *The law of peoples, with the idea of public reason revisited*. Cambridge: Harvard University Press.
- Salimi, A., & Davari, M. (2013). *Sociology of deviation*. Tehran: Research Institute of Hawzeh and University [In Persian].
- Samiei Gilani, A. (1999). *Translation of Karl Jaspers' die grossen philosophen (Masih)*. Tehran: Kharazmi Publication [In Persian].
- Sarajzadeh, S. H., Shariati Mazinani, S., & Saber, S. (2004). Relationship between degrees and types of religiosity and social tolerance. *Journal of Social Sciences Ferdowsi University of Mashhad*, 1(4) [In Persian].
- Shojaeizand, A. (2001a). The secularization of religion, individual, society. *Naqd va Nazar*, (21-22), 188-231 [In Persian].
- Shojaeizand, A. (2001b). demythologizing the message of Christ. *The Book of the Month of Religion*, (47-48) [In Persian].
- Sosteric, M. (2020). Rethinking the origins and purpose of religion: Jesus, constantine, and the containment of global revolution. *Athens Journal of Social Sciences*, 9(1), 69-88.
- Susanto, H. (2020). Social responsibility of the Church based on Jesus' ministry in Luke 4:18-19: An attempt to revitalize Church ministry. *Jurnal Teologi dan Pelayanan*, 19(1), 97-112.
- Tadayon, A. (2004). *Translation of Max Weber's Religion, power, society*. Tehran: Hermes Publication [In Persian].
- Tantlevskij, I. R., Gromova, E. V., & Gromov, D. (2021). Network analysis of the interaction between different religious and philosophical movements in early Judaism. *Philosophies*, 6(2), 2.
- Tollefson, K. D. (1997). The epistle of james as dialectical discours. *Biblical Theology Bulletin: Journal of Bible and Culture*, 27(2), 62-69.
- Torzewski, A. (2020). Modern moral reinterpretation of Jesus and its value to the philosophy of religion. *ARGUMENT: Biannual Philosophical Journal*, 9(2), 253-269.